درمکتب امام

عمّال استعمار

این جمعیتی که صدا بلند می کنند که حقوق بشر، حقوق بشر، اینها عمّال استعمارند. اصلِ این جمعیت‌هایی که در امریکا، یا در جاهای دیگر، درســت شده است بَه عنوان جمعیت «حقوق بشر»، جمعیت کذا و کذا، اینها را- همه- آنها درست کرده‌اند برای اینکه حقوق بشر را ضایع کنند.

صحیفه امام؛ ج۷؛ ص۳۰۹ | قم؛ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۸

عظمت رهبری در ایران

انقلاب اسلامی پدیده‌ای بی‌نظیر در کشور ما بلکه در تاریخ کشورهای اسلامی و چیزی شبیه به معجزه بود. رهبری فرمودند جریانات انقلاب، هر روزش معجزه بود.

متأســفانه، بعد از چهل ســال از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز آن‌گونه که باید حق مسئله رهبری جامعه اسلامی ادا نشده است، اجمالا همه می‌دانیم که علی‌رغم تلاش‌های پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌واله) که از همان روز اول دعوت علنی مردم به اســلام، علی(ع) را به‌عنوان جانشــین معرفی کردند و تا روزهای آخر عمر نیز بر آن تأکید داشتند، امت اسلامی به انحراف کشیده شد و هنوز جنازه ایشان دفن نشده بود که عده‌ای جمع شدند تا خودشان برای رهبری جامعه اسلامی تصمیم بگیرند؛ گویا هیچ توصیه‌ای در این‌باره از پیامبر نرسیده بود! بسیاری از مردم نیز از روی ناآگاهی و بی‌بصیرتی توصیه پیامبر را نادیده گرفتند. تنها چند نفر بودند که متوجه اهمیت این موضوع بوده و خواســتند در مقابل این عمل بایستند و مقاومت کنند، اما تلاششان به جایی نرسید.

غربت دین و روحانیت در دوران پهلوی‌ها

در طول ۱۴۰۰ سال، این مسئله مورد ابهام و غفلت قرار گرفته بود، در دوره پهلوی اول، آثار دین در کشور محو می‌شد و مدارس علمیه خالی از طلبه شده و به‌عنوان انبار کالاهای بازاری‌ها به شمار می‌رفت؛ حتی لباس روحانیت ممنوع شده و حجاب را از سر زنان بر می‌داشتند. از طرفی با حیله‌های شیطانی، حقایق دین را تضعیف و تحریف کرده و حتی روحانیون را متهم کرده و در نظر مردم ســبک می‌کردند. بقدری در این زمینه تبلیغ شده بود که در آن دوره حتی متدینان نیز نگاهی ترحّم‌آمیز به روحانی داشتند! از دین نیز فقط مقداری آداب فردی باقی مانده بود؛ یعنی فقط نماز و روزه برای مردم مانده بود و عزاداری سیدالشهدا(ع) که نمی‌شد آن را از مردم جدا کنند، البته همان عزاداری نیز به‌صورت مخفیانه صورت می‌گرفت. این وضع چندان طول نکشــید و با واقع شدن جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط روس‌ها و انگلیس و آمریکا، پهلوی اول تبعید شد. آنها فقط پسر پهلوی را به‌عنوان سنبلی نگه داشتند تا ظاهرا حکومت کند، اما واقع این بود که وی در حکومت نقشی نداشت و حکومت دست بیگانگان به‌خصوص انگلیسی‌ها بود. همچنین برای طبیعی جلوه‌دادن اوضاع ســعی کردند که نوعی آزادی را شکلی در جامعه ترویج کنند و با ترویج اعلامیه حقوق بشر و آزادی در جهان وضع، اندکی بهتر شد؛ البته یکی از اهداف آنها نیز تخریب و تحریف و شبهه‌افکنی در دین به بهانه آزادی بود.

برخی روحانیون دلسوز از همین فرصت بسیار ناچیز و محدود برای بازگشایی حوزه‌ها بهره بردند. عنایت امام زمان(عج) و فداکاری رهروان واقعی ایشــان ســبب شد تا زمینه برای رشــد حوزه صورت بگیرد، اما همچنان میراث دوران پهلوی، در جامعه باقی مانده بود؛ چرا که بسیاری از متدینان، سالخورده شده یا فوت کرده بودند، بسیاری از جوان‌ها نیز در وضع غربت اسلام رشد کرده بودند و زمینه‌ای برای فراگیری حقایق دین نداشتند.

اراده الهی بر این تعلق گرفته بود که کســانی که به استضعاف کشیده شده بودند، رشــد کنند و کسانی تربیت شوند که حاضر باشند همه زندگی‌شان را فدای دین کنند. در ایــن بین تلاش‌های علمای با تقوا و با تدبیــر زمینه را برای احیای دین فراهم کرد، اما هنوز وضع، نامناســب بود؛ یکی از مسائلی که به شدت ترویج می‌شد و تا حد زیادی تأثیرگذار هم بود، تبلیغ جدایی دین از امور اجتماعی بود؛ این تبلیغات در درون دانشگاه که محل‌تربیت نخبگان بود و حتی حوزه‌ها نیز رسوخ کرده بود و لذا برچسب «سیاسی» بودن برای روحانیون و متدینان، اتهام به شمار می‌رفت.

امام حدود ۵۵ سال پیش، حرکتی را آغاز کرد. او یک روحانی بود که ظاهرا از نظر اسباب ظاهری و قدرت و ثروت، از همه اقرانش عقب‌تر بود و زندگی روزانه‌اش به سختی اداره می‌شد؛ نه ثروتی داشت و نه حزبی؛ حتی در درون حوزه نیز غریب بود، اما احساس وظیفه کرد که اسلام واقعی را به جامعه معرفی کند و حاضر شد تا آخرین نفس پای آن بایستد اما حتی در حوزه‌ها نیز عده‌ای با ایشان مخالف بودند.

سربلندی امام در امتحانات سخت الهی

حضرت امام(ره) ۱۵ سال امتحانات الهی را با سربلندی پشت‌سر گذاشت، سنت الهی این است که کسانی که می‌خواهند در این دنیا به مقامی برسند، باید مورد امتحان قرار گیرند؛ برای مثال حضرت ابراهیم(ع) به امتحانات متعددی مبتلا شد که آخرین آنها ذبح فرزندش بود و پس از این امتحانات به مقام امامت رسید. امام(ره) نیز ۱۵ سال امتحان داد؛ از هنگامی که نیمه‌شب ایشان را دستگیر کرده و اصلا نمی‌دانست ایشان را به کجا می‌برند تا زمانی که اسماعیل (حاج آقا مصطفی) خود را از دست داد. حاج آقا مصطفی حاصل عمر امام و به تعبیر ایشان مجتهدی فهیم و شجاع بود، اما امام از این امتحان نیز سربلند بیرون آمده و صبورانه، فقدان فرزندش را لطف خفیه الهی دانست که به پیروزی انقلاب اســلامی منجر می‌شــود. وقتی امام(ره) از پاریس به ایران آمد، استقبال از او، به حادثه عظیم تاریخی تبدیل شد؛ طولی نکشید که روزنامه‌های مستقل آن روز نوشتند که شخصیت سال جهان امام خمینی(ره) است. او آمد و امامت امت را برعهده گرفت.

شاید بسیاری از افراد، حتی به ذهنشان هم خطور نمی‌کرد که روزی، انقلاب شود و اسلام حاکم شود. پس از پیروزی انقلاب نیز دنیا علیه ایران بود و حتی در ۸ سال دفاع مقدس، از فروش سیم خاردار به ما خودداری کردند؛ اما امروز کار به جایی رسیده است که از سلاح‌های ایرانی می‌ترسند و اعتراف می‌کنند که میلیاردها دلار در خاورمیانه خرج کرده‌اند ولی هیچ فایده‌ای نداشــته و دائم شکست خورده‌اند. این مسائل حجت را بر ما تمام می‌کند که نگاهمان فقط به اسباب ظاهری نباشد.

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبری بی‌همتا در جهان

برخی منتظر بودند که امام(ره) از دنیا برود و زمینه را تغییر دهند، حتی نزدیکان و دلسوزان، دغدغه آینده انقلاب پس از امام را داشتند، ولی باز هم خداوند بر مردم مستضعف منت گذاشته و امامی‌برای آنها قرار داد، کسی که وقتی به قم رفت، آیت‌الله حائری به قدری ایشــان را دوست داشت که گویا برای ایشان درس خصوصی می‌گفت و ناگفته پیدا بود که ایشان در تحصیل، بسیار موفق خواهد بود؛ اما امتحانی برای ایشان پیش آمد و از این امتحان نیز سربلند بیرون آمد. پدر ایشان بیمار شد و ایشان به‌خاطر پدر به مشهد برگشت.

بعد از وفات امام(ره) در مجلس خبرگان ایشان تقریبا به اتفاق آراء به رهبری برگزیده شد، ولی ایشان هرگز از این مسئله خوشحال نشد، بلکه تلاش کرد تا این‌بار مسئولیت بر شانه ایشان نیاید، اما وقتی تکلیف بر ایشان محرز شد، پا در این راه گذاشت و خدا بار دیگر به ما نشان داد اگر کسی خودش را به خدا سپرد و فقط برای خدا گام برداشت، او را یاری می‌کند. بر اساس آنچه از ایشان سراغ دارم، زندگی ایشان نمونه است؛ و الله العلی العظیم در عالم اســلام نظیری برای رهبر معظم انقلاب سراغ ندارم. علم، تقوا، فراست، دوراندیشی، تدبیر، حلم، سماحت، صبر، شجاعت در ایشان جمع شده است در حالی‌که اگر یکی از آنها در هر فردی باشــد، او را در عالم ممتاز می‌کند. اگر بیش از این بگویم، متهم به اغراق گویی می‌شوم، اما اگر می‌شد که آنچه از ایشان می‌دانم را بگویم، متوجه می‌شــدید که این ســخنان، اغراق نیست. این سنت خداست که هر کس برای خدا کار کند، به اندازه ظرفیتش از نصرت الهی بهره‌مند خواهد شد، باید سعی کنیم از صبح که از خواب برمی‌خیزیم به‌دنبال شناخت و انجام وظایف باشیم، به‌دنبال این باشیم که در قبال دوســت و دشمن و جامعه، خدا از ما چه می‌خواهد. حتی دشمنان نیز ناچار به عظمت چنین رهبری اعتراف می‌کنند، یکی ازشــخصیت‌های مهم جهان گفته بود که تا ایران چنین رهبری دارد، شکست نخواهد خورد؛ البته او نیز دوست ما نیست و به‌دنبال منافع خودش است، اما نمی‌تواند در مقابل این عظمت سکوت کند.

خداوند نیز هر نعمتی را به هر کســی نمی‌دهد؛ لیاقت مردم ســبب شده تا چنین رهبری نصیبشان شــود؛ همچنان که اگر مردمی، لیاقت نداشته باشند، حتی در زمان حضور ائمه(ع) نیز افراد دیگری بر آنها مسلط می‌شوند.

ابتدا باید وظایف خود را بشناســیم و سپس دیگران را دعوت کنیم، باید روح همه این دعوت‌ها خدا باشد و ببینیم خداوند از ما چه می‌خواهد. با هم همکاری کنیم و کار گروهی و تشکیلاتی انجام دهیم، اما بر اساس موازین اسلامی. اگر ما چنین باشیم بهتر می‌فهمیــم که چرا رهبری فرمودند من به آینده خوش‌بینم. ایشــان از طرفی به وعده خداوند اطمینان دارد که فرمود «ولینصرن الله من ینصره» (و خداوند کسانی را که یاری او کننــد (و از آیینــش دفاع نمایند) یاری می‌کند)[1] و «لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون» (او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند)[2] و از طرف دیگر بصیرتی خداوند به ایشــان داده است و می‌تواند آینده را به خوبی ترسیم کند.

سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی (دام‌ظله) در گردهمایی سه دهه بصیرت و مقاومت رهبری؛ مشهد؛ ۹۷/۱۲/۴

۱. حج/۴۰ _ ۲. توبه / ۳۳

زلال بصیرت روزهای پنج‌شنبه منتشر می‌شود.

ادامه واکنش‌ها به یک نامه

حرف‌های موسوی خوئینی‌ها را نهضت آزادی و مجلس ششمی‌ها هم می‌زدند

واکنش‌ها به نامه اخیر موسوی خوئینی‌ها همچنان ادامه دارد؛ از بســیج دانشجویی ۱۵ دانشگاه تهران تا چهره‌های مختلف سیاسی و فعالان فرهنگی.

بسیج دانشجویی ۱۵ دانشگاه تهران طی بیانیه‌ای در واکنش به نامه اخیر موسوی خوئینی‌ها اعلام کردند: جای سؤال است فردی متعلق به یک جریان سیاسی خاص که قدرت اجرایی کشور را در برهه‌های متعددی از تاریخ چهل ساله جمهوری اسلامی بر عهده داشته است، چگونه می‌تواند به جای پاسخگویی و ارائه توضیح در رابطه با عملکرد داشتباه خود، با موضعی حق به جانب، خود را طرفدار مردم بنامد.

در این نامه آمده اســت: «تمایل به سوی مردم، در ســال هفتم دولت و پس از ناکارآمدی‌های متعدد دولت فخیمه تدبیر و امید چه معنایی را به ذهن متبادر می‌سازد؟ چرا آقای خوئینی‌ها و هم‌کیشانشان، عملکرد هفت ساله خود در حمایت تمام قد از دولت را انکار و ژست اپوزیسیون به خود می‌گیرند؟ آیا باور کنیم تغییر جهت دادن‌ها از قدرت حاکمه به سوی مردم، با انتخابات ۱۴۰۰ بی‌ارتباط است؟»

بسیج دانشجویی ۱۳ دانشگاه کشور تأکید کرده‌اند: نگارنده این نامه به جای وارد ســاختن اتهام مدیریت بسته به دیگران، بهتر است در مورد دوران مسئولیت خود در دهه شــصت و در نقش‌آفرینی سیاسی دهه هفتاد، هشتاد و نود خود توضیح دهد که چرا به بدترین شکل به دنبال حذف جریان رقیب از صحنه سیاسی کشور بوده است.

این نامه افزوده اســت: اگر آقایان عملکردشان را فراموش کرده‌اند، انقلابیونی هســتند که تاریخ رفتار سیاسی آنان را گوشزد نمایند تا نسل امروز بداند نتیجه اثرگــذاری چنین افرادی، رخ دادن چه وقایعی بوده و تحت تعلیماتشــان، چه گروه‌های تندرویی در تاریخ معاصر ایران شــکل گرفته است و این جریان بدخیم چه ضرباتی را به ملت ایران وارد کرده‌اند.

بســیج دانشجویی ۱۳ دانشــگاه کشور در پایان خاطرنشــان کرده‌اند: ملت مقدر و عزیز ایران ســدّ ناکارآمــدی و کــم کاری‌های دولت تدبیــر و امید و شــخصیت‌هایی چون موســوی خوئینی‌ها را که از ایــن جریان حمایت بی‌چون و چــرا کردند همچون خیانت‌ها و فتنه‌های گوناگون به فضل الهی پشت سر خواهد گذاشت.

محسن رضایی: موسوی خوئینی‌ها آدرس غلط داده است

محسن رضایی در نشست هم‌اندیشی کارگروه‌های بیانیه گام دوم انقلاب در دبیرخانه مجمع تشــخیص مصلحت نظام در واکنش به سؤال یکی از حاضران در مورد نامه موسوی خوئینی هاگفت: آقای خوئینی‌ها، خوب می‌داند که اندیشــه‌های غرب‌زده در دولت‌های گذشته و فعلی، چه آسیب‌هایی به فرهنگ و اقتصاد کشور وارد ساخته‌اند اما متأسفانه ایشان به‌جای آنکه انگشت اتهام را به‌سوی آمریکا و هواداران آن نشانه رود، آدرس غلط داده است.

محسن رضایی گفت: امروزه از یکسو، آمریکا پس از به شهادت رساندن سردار بزرگ جبهه مقاومت، شهید حاج قاسم سلیمانی، همچنان به فشار حداکثری خود بــه ملت ایران ادامه می‌دهد و از ســوی دیگر، دولتِ منتسب به طیف سیاسیِ آقای خوئینی‌ها، با ناکارآمدیِ و با بدترین تدابیر، کشور را اداره می‌کند.

طرفداران مذاکره با آمریکا باید از ملت عذرخواهی می‌کردند

دبیــر مجمع تشــخیص مصلحت نظــام گفت: سیاست‌های لیبرالی این دولت، پول ملی را از خاصیت انداخته و فشــار اقتصادی را بر زندگی مردم، مضاعف کرده است. صداقت سیاسی، حکم می‌کرد که پس از شکست برجام، طرفداران مذاکره با آمریکا از ملت ایران عذرخواهی کنند.

وی افزود: انصاف، اقتضا می‌کرد که آقای خوئینی‌ها با آن سابقه ضدآمریکایی، پس از سال‌ها سکوت، امروز در کنار مقام معظم رهبری قــرار می‌گرفت و درباره نتایج فاجعه‌بار حاکمیت تفکر آمریکایی در اداره کشور در دولت‌های گذشته و فعلی، سخن می‌گفت و مصرانه از معظم‌له تقاضا می‌کرد که بر افکارِ آمریکایی در اداره کشور، خط بطلان بکشند تا بســاط سرابِ فریبنده غرب‌زدگان در کشور برای همیشه، جمع شود.

واکنش ضرغامی به نامه موسوی خوئینی ها

عزت‌الله ضرغامی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در توییتر نوشت: «آقای موسوی‌خوئینی‌ها، ولی‌فقیه ما در ســفارت آمریکا بودند! با مجوز شرعی ایشان توانستم با شلوار رنجر غنیمتی آمریکایی نماز بخوانم! دمشــان گرم! درست‌تر این بود که گله‌مندی اخیرشــان را در سال ۹۶ و خطاب به روحانی منتشر می‌کردند.»

مقایسه نامه موسوی خوئینی‌ها با نامه نهضت آزادی در سال ۶۹

وحیدی جلیلی در واکنش به نامه اخیر موسوی خوئینی‌هــا، طی یادداشــتی آن را با نامه ســال ۶۹ نهضت‌آزادی مقایســه کــرد که در آن آمــده بود « اکنون کشور عزیز ما در بن‌بست و بحرانی از سختی و ناخشنودی دست و پا می‌زند...ملک و ملت به لبه پرتگاه وحشتناک ویرانی و نابودی رسیده است.»

وی نوشــت: در همین سی ســال ناقابل که در پیش‌بینی قاطع و قریب‌الوقوع عقلا و دنیادیدگان نهضت آزادی تاخیری مختصر! پیش آمده، جمهوریِ اسلامی در لبه پرتگاه وحشتناک ویرانی و نابودی؛ حدودا بیست و پنج انتخابات سراسری با صدها میلیون رای برگزار کرده که متوسط مشارکت در آنها از بسیاری کشورهای اروپایی و آمریکایی بیشتر بوده است.

جلیلی نوشــت: در نامه بهار ۶۹ نهضت آزادی به «وعده‌های به مستضعفین و شعارهای پرطنین» اشاره شده بود که قاعدتا نقطه اوجش در آن روزگار؛ «ائتلاف مستضعفین و محرومین» مجلس سوم؛ با شعار «جنگ فقر و غنا» و «مرگ بر اسلام آمریکایی» بود؛ ائتلافی که موســوی‌خوئینی‌ها مغز متفکر و از ســتون‌های اصلی آن بود.

فعال فرهنگی باشاره به بخش‌هایی از نامه نهضت آزادی در بهار ۶۹ و همچنین نامه نمایندگان مجلس ششم در اردیبهشت ۸۲ نوشت: «لبه پرتگاه» نهضت آزادی و «فرصت اندک» مجلس ششم و «اوضاع غیر قابل دوام» شما؛ همگی از یک جنس است.

جلیلی خطاب به موسوی خوئینی‌ها نوشت: جناب خوئینی‌های عزیز! «نتیجه محاسبات متعارف و براساس آراء و تحلیل‌های شناخته‌شده در حکم‌رانی » را هفتصد سال بعد از آغاز رنسانس؛ امروز در خیابان‌های آمریکا و فرانسه با سابقه دو قرن و نیم حکمرانی مدرن ببینید. اگر دانسته‌های متعارف یوتوپیای سکولار شما می‌توانست حقوق بشر و اشــتغال و عدالت و آزادی بیاورد امروز دست پروردگارتان که در فرار از جمهوری اسلامی به سیاتل و واشنگتن و نیویورک و لس‌آنجلس گریخته‌اند مجبور نبودند بهت زده به تماشای امنیت و عدالت و آزادی آمریکایی بنشینند و برای تشفّی دل داغدارشان نامه شما را شیر کنند که : «اگر آمریکا بدون جنگ و تحریم و ترور و نفوذ و با آن همه ادعا، قاراشمیش است و اوضاعش دوامی ندارد ،ایران هم بحمدالله با مساعی مشکورِ برجامیان ، و برنامه‌ریزی موفق اصلاح‌طلبان ،هم چرخ سانتریفیوژهایش ایستاد و هم چوب حراجی که به ارزش‌های انقلاب زدند لای چرخ اقتصادش گیر کرده و به مردم فشار می‌آورد تا زمینه لازم برای تحقق بقیه آرزوهای غرب‌پرست‌ها فراهم شود.» هم دلداری آنها به خودشان قابل درک است و هم وقاحت مثال زدنی شما ، اما توصیه می‌کنم روزی دو بار قبل از ناهار و بعد از شــام دانسته‌های متعارفِ « لبه پرتگاه» و «فرصت اندک» را مرور کنید.

نامه‌ای برای خروج از استیصال و مرگ سیاسی

ابراهیم فیاض، جامعه‌شناس هم در گفت‌وگو با یک پایگاه خبری درباره نامه موســوی خوئینی‌ها به رهبر انقلاب گفت: سن وقتی بالا می‌رود فرد دچار مشکل می‌شود چون محاسباتش به شدت قدیمی است و با واقعیت‌های روز نمی‌خواند. آقای موسوی خوئینی‌ها نمی‌تواند اوضاع امروز را تبیین کند بنابراین این نامه را نوشت چون احساس «استیصال و مرگ سیاسی» دارد.

وی افزود: آقای موســوی خوئینی‌ها این نامه را نوشت تا فقط بگوید زنده است وگرنه رهبر انقلاب در اوضاع امروز دارد رو به جلو کار می‌کند.

فیاض با بیان اینکه اصلاح‌طلبان باید ۸ ســالی اســتراحت کنند، افزود: اصلاح‌طلبــان قاجاری فکر می‌کنند می‌خواهند به آمریکا امتیاز بدهند تا آرامش به دست آورند.

به ریاست آیت‌الله جنتی

جلسه شورای نگهبان با حضور وزیر نیرو برگزار شد

جلسه شــورای نگهبان روز گذشته با حضور اکثریت اعضای این شورا برای بررسی مصوبات مجلس و دولت برگزار شد. این جلسه به ریاست آیت‌الله جنتی و با حضور وزیر نیرو برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان، عباســعلی کدخدایی، قائم‌مقام دبیر و سخنگوی شــورای نگهبان در تشریح علت حضور وزیر نیرو در جلسه شورا در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت: «اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران با دو ایراد به هیئت محترم وزیران اعاده شده بود. در جلسه، ایرادات اساسنامه برای آقــای وزیر محترم نیرو تبیین و توضیحات ایشان نیز استماع شــد. مقرر گردید موضوع در پژوهشکده شورا با حضور کارشناسان وزارت نیرو بررسی گردد.»

در سایه انفعال وزارت خارجه

بازداشت غیرقانونی دیپلمات ایرانی وارد سومین سال شد

سرویس سیاسی-

امروز در شرایطی وارد سومین سال بازداشت غیرقانونی دیپلمات ایرانی می‌شویم که دستگاه دیپلماسی به هیچ عنوان اقدام شایسته‌ای برای مقابله با این اقدام غیرقانونی انجام نداده است.

در روز ۱۱ تیــر ۹۷ رســانه‌ها از بازداشــت یک دیپلمات ایرانی در آلمان خبر دادند. اســدالله اسدی، دبیر ســوم سفارت ایران در اتریش علی‌رغم مصونیت دیپلماتیک در اقدامی غیرقانونی توسط پلیس آلمان و در جریان حضورش در این کشــور بازداشت شد. در روز ۵ مهر ۹۷، رســانه‌ها از اســترداد آقای اسدی به بلژیک خبر دادند.

کنوانسیون وین، مهم‌ترین معاهده مربوط به حقوق دیپلماتیک اســت. در ماده ۲۹ کنوانسیون وین آمده است: شخص مأمور سیاسی مصونیت دیپلماتیک دارد و نمی‌توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرارداد. کشور پذیرنده با وی رفتار محترمانه‌ای که در شأن او اســت خواهد داشت و اقدام‌های لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص و آزادی و حیثیت او اتخاذ خواهد کرد.

نقض آشکار قوانین دیپلماتیک

از ســوی دیگر، طبق قانون هرگاه یک کشــور نماینــده کشــور دیگــری را- کــه دارای گذرنامه دیپلماتیک است- در خاک خود به دلایل واقعی یا واهی، عنصر نامطلوب بنامد، می‌بایســت او را اخراج کند. به عبارت دیگر اخراج، بالاترین ســطح برخورد دیپلماتیک نســبت به حضور، رفتار و عملکرد یک دارنده گذرنامه دیپلماتیک است.

دولت آلمان و در ادامه دولت بلژیک در اقدامی غیرقانونــی و با دلایل واهی، دیپلمات ایرانی را که از مصونیت دیپلماتیک برخوردار بــوده از تیرماه ۹۷ تاکنون یعنی به مدت دو سال بازداشت کرده است.

محمدجواد ظریف وزیــر امور خارجه- ۱۱ تیر ۹۷- در اقدامی تأمل‌برانگیز در واکنش به نقض قوانین دیپلماتیک از سوی آلمان به یک پیام توئیتری اکتفا کرد و نوشت: «چه همزمانی جالبی. همزمان با شروع سفر رئیس‌جمهور به اروپا یک عملیات ایرانی، افشا و عوامل آن دستگیر می‌شوند. ایران هرگونه خشونت و ترور را در هر مکانی محکوم می‌کند و با همه مقامات ذی‌ربط برای کشف آنچه تنها یک عملیات پلید برای دادن نشانی غلط است، آماده همکاری است».

اکتفــا به یک درخواســت منفعلانه برای رهایی این دیپلمات ایرانی و مماشــات با طرف‌های اروپایی از یــک طرف و عدم گوشــزد نمودن تبعات این‌گونه اقدامــات از طرف دیگر، مقامــات غربی را برای نقض قوانین دیپلماتیک و اعلان درخواست‌های طلبکارانه جسورتر کرد تا جایی که یک مقام اتریشی چندی پیش خواســتار لغو مصونیت دیپلمات ایرانی شد!

علاوه‌بــر این بازداشت دبیر سوم ســفارت ایران در اتریش در حالــی انجام گرفت که حسن روحانی رئیس‌جمهور در آستانه سفر به اروپا و دو کشور اتریش و سوئیس بود ولی در جریان آن سفر رئیس‌جمهور هیچ‌گونه اظهارنظر، اعتراض یا پیگیری از دولت اتریش نداشت.

بی عملی سفارتخانه‌های ایران در اروپا!

طبیعتاً طبق قواعد دیپلماتیک، وزارت امور خارجه و ســفارتخانه‌های ایران در اتریــش، آلمان و بلژیک می‌بایست به‌صورت جدی به این رفتار غیرقانونی آلمان و بلژیک در بازداشــت دیپلمات ایرانی واکنش جدی نشــان می‌دادند. اما متأسفانه هیچ اقدام قابل توجهی از جمله اجرای «اصل عمل متقابل» از سوی دستگاه دیپلماسی مشاهده نشد.

علاوه‌بر این ضعف بخش دیپلماسی عمومی وزارت امورخارجه در به دست گرفتن ابتکار عمل موجب شد تا رســانه‌های معاند با سوءاســتفاده از خلأ اطلاعاتی موجــود، حتی تصاویر مدنظر خود را منتشــر کنند. این در حالی است که انتشار تصاویر خانوادگی از این دیپلمــات ایرانی کمترین کاری بود که در این جهت می‌توانست انجام گیرد.

به گزارش مشرق، در این میان، سفرای ایران در اتریش و بلژیک و آلمان روزه سکوت گرفته و به هیچ عنوان اظهارنظری از این افراد در رسانه‌ها منتشر نشد. در بررسی وب‌سایت‌های اطلاع‌رسانی این سفارتخانه‌ها نیز با کمال تأسف هیچ خبری درخصوص آقای اسدی منتشر نشده بود!

این در حالی است که در سوی مقابل وقتی یک جاســوس دوتابعیتی- و نه یک دیپلمات شــاغل در ســفارت- به نام «نازنین زاغری» در ایران دســتگیر و بازداشت شــد، مقامات انگلیسی از سفیر گرفته تا نخست‌وزیر به این مسئله واکنش نشان داده و با ایجاد عملیات سنگین روانی، خواستار آزادی این جاسوس دوتابعیتی شدند.

«بهرام قاسمی» سخنگوی سابق وزارت خارجه و سفیر فعلی ایران در فرانسه- بهمن ۹۷- در نشست خبری تصریح کرد که «اسدالله اسدی با یک اتهــام واهی و کامــلاً بی‌گناه در زندان اســت» اما با این‌حال هنوز هیچ اقــدام قابل توجهی از ســوی دســتگاه دیپلماســی بــرای آزادی وی صــورت نگرفته است.

لازم به ذکر است که از تیر ۹۷ تاکنون حتی یک جلسه دادگاه نیز برای بررسی اتهامات آقای اسدی در بلژیک تشکیل نشده است. پیش از این ابوالفضل حسن بیگی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس دهم گفته بود: طبق آخرین اطلاعات اتهامات علیه دیپلمات ایرانی در دادگاه آلمان مورد بررسی قرار گرفته و آقای اسدی تبرئه شده است.

این موضوع نشان می‌دهد که در آن مقطع زمانی اگرچه اسدی در دادگاه تبرئه شده بود، اما آزادیِ کامل وی منوط به پیگیری مجدانه موضوع خصوصاً از طریق «سفارت ایران در آلمان» بود که گویا تحقق پیدا نکرد.

ماجدی یا ماجدی‌ها؟!

علی ماجدی، سفیر سابق ایران در آلمان- از تیر ۹۳ تــا آذر ۹۷- در بهمن ماه ســال ۹۷ در مصاحبه با خبرگزاری دولتی ایســنا، اظهارات تأمل‌برانگیزی بیان کرد.

ماجدی در این مصاحبه گفت:«اروپایی‌ها با ما کار می‌کنند ولی به ما اعتمادی ندارند. می‌بینیم که طی این چند وقت چه مســائلی بین ایران و اتحادیه اروپا رخ داده است. من نمی‌خواهم مسائل را بازگو کنم ولی این اتفاقات باعث شده که اعتماد اروپایی‌ها به ایران از بین برود. با دو، سه عمل اشتباه، اعتمادی که در حال ایجاد شدن بود از بین رفت. باید به کسانی که معتقدند با انجام برخی از عملیات‌ها و یا خودســری‌ها می‌توان منافع ملی کشور را تأمین کرد، به صراحت گفت تصور آنها اشتباه است و اقدامات آنها نه در راستای افزایش قدرت ایران بلکه ضد قدرت است».

وی در بخــش دیگــری از ایــن مصاحبــه گفت:«اروپایی‌ها در مورد ادعاهایی که مطرح کرده‌اند اسنادی آورده‌اند که ما نمی‌توانیم آن را به راحتی رد کنیم. گرچه آنها نیز نمی‌توانند این اسناد را به راحتی اثبات کنند...ما در داخل کشــور با موضوعی همچون «عملیات خودســرانه» مواجه هستیم، آیا می‌توانیم منکر شــویم که در خارج از کشور نیز نمونه‌ای از این اتفاقات رخ نمی‌دهد؟ عملیات‌هایی که اعتماد را دچار خدشه می‌کند».

ماجدی در این مصاحبــه ادعاهای واهی برخی کشــورهای اروپایی مبنی بر دســت داشتن ایران در اقدامات تروریستی در اروپا را تأیید کرد! این اظهارات نسنجیده، استقبال رسانه‌های معاند را در پی داشت.

قطعاً نوع نگاه و اظهارات ساختارشــکنانه «علی ماجــدی» درخصوص سیاســت خارجی بــه دوران بازنشســتگی وی محدود نمی‌شود. اینکه بگوییم وی اکنون بازنشسته اســت و دیگر اظهاراتش در جایگاه یک دیپلمات ارشــد و شــاغل نیســت و ارتباطی به وزارت خارجه نــدارد، در حقیقت پاک کردن صورت مسئله است.

این فرد با همین رویکرد سال‌ها در پست‌های مهم در دستگاه دیپلماسی مشغول به کار بوده است. در زمان بازداشت آقای اسدی نیز، ماجدی سفیر ایران در آلمان بود. نوع عملکرد سفارتخانه‌های ایران در اتریش، بلژیک و هلند در پیگیری و احقاق حق دیپلمات‌های ایرانی در دو سال اخیر نیز نشان‌دهنده این مسئله است که گویا سفرای ایران در این کشورها نیز احتمالاً با ماجدی هم نظر و هم عقیده هستند.

سکوت در مقابل آزادی همکارا!

این روزها در شرایطی وارد سومین سال بازداشت غیرقانونــی دیپلمات ایرانی می‌شــویم که دســتگاه دیپلماسی به هیچ عنوان اقدام شایسته‌ای برای مقابله با این اقدام غیرقانونی انجام نداده است.

به گزارش مهر، به‌رغم وعده‌های مکرر دســتگاه دیپلماسی، هنوز گشایشــی در پرونده این دیپلمات کشورمان ایجاد نشده است؛ این در حالی است که این روزهــا مقامات وزارت خارجه موضوع تبادل زندانی با کشورهای غربی را بارها مطرح کرده و در مقابل آزادی همکار خود سکوت کرده‌اند.

وزارت امور خارجه در قبال موضوع دستگیری این دیپلمات ارشد کشورش تنها «گفتار درمانی» داشته و با بیان کلی‌گویی‌های مکرر و اعلام وعده‌های تکراری در مورد آزادی اسدی، عملاً سبب شده است تا گذر زمان علیه این دیپلمات باســابقه کشورمان به پیش رود و وی همچنــان بدون مدرک و برگزاری دادگاه، در زندان باشد.

به اعتقاد بسیاری از صاحبنظران، انفعال و رویکرد حقارت‌آمیز دستگاه دیپلماسی در قبال اقدامات خصمانه اروپا باعث شده است که رفتار اروپایی‌ها علیه کشورمان روز به روز گستاخانه‌تر شود. قطعنامه اخیر شورای حکام آژانس انرژی اتمی، جدیدترین نمونه اقدامات خصمانه اروپا علیه کشورمان است.

گفت و گوی کیهان با سردار سعید قاسمی

روایتی از گروه های جهادی در غیزانیه دیروز برای امنیت امروز برای آبادانی

بقیه از صفحه ۳

علت این پراکندگی روســتاها منابع آبی نیز بوده که ســال‌های بسیار گذشته در منطقه وجود داشت. اهالی تا اردیبهشت‌ماه اراضی را می‌کاشتند و از آب‌های موجود استفاده می‌کردند و وقتی هوا رو به گرم شــدن می‌رفت به شهرهای دیگر مثل شادگان کوچ می‌کردند. فقط دو روستای مسلمیه و روســتاهای مجاورش در میان ده‌ها حلقه چاه محاصره شده‌اند.

ما باید برای مــردم راه‌حل پیدا کنیم و از دو شریان حیاتی آب در اطرافشان به آنها آب برسانیم. تفکری که در میان لیبرال‌ها وجود دارد توسعه به هر قیمتی است و لوله شدن مردم زیر چرخ توسعه. برای نمونه اظهارنظری اســت که گفته شد مردم آبادان اگر توان آبیاری و نگهداری نخل‌ها و عمران آبادی‌هایشان را ندارند به افراد متمکن واگذار کنند و مردم آن نواحی خدمتکار اربابان ثروتمندشــان شوند، این عمق فاجعه است.

عملکرد گروه‌های جهادی را در سطح منطقه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در ســر پل ذهاب که بیش از ۵۷ روستا از ۳۰ تا ۱۰۰ درصد تخریب شده بود ۱۱۰ خانه ساختیم که وقتی رهبری از من پرسیدند چه کردید؟ گفتم هیچی. رهبری فرمودند که ما می‌دانیم کار کرده‌اید گفتم: ۱۱۰ خانه یعنی هیچ ما کاری نکردیم، که حضــرت آقا گفتند: همین کــه نیروهای جهادی در منطقه حضور دارنــد دیگران جرات نمی‌کنند کم‌کاری کنند که واقعاً هم همین شد.

به اندازه نفس‌مان کنار مردم خواهیم ماند

(در بازســازی مناطق زلزلــه زده) با افزایش قیمت مصالــح پیمانکاران مــردم